

تحقیق هفته

شماره: 439

(از 16 الی 22 سرطان 1403 هـ ش)

نگاهی به سومین نشست دوحه در مورد افغانستان



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می‌خوانید:

- اهداف سومین نشست دوحه 3.....
- تفاوت نشست سوم دوحه با نشست‌های قبلی 4.....
- موضوعات مورد بحث در نشست سوم دوحه 5.....
- دستاوردهای نشست سوم دوحه 6.....
- دستاورد نشست دوحه برای امارت اسلامی 6.....
- نتیجه‌گیری 7.....
- پیشنهادات 8.....
- منابع و مأخذ 8.....



نگاهی به سومین نشست دوحه در مورد افغانستان

مقدمه

پس از استقرار دوباره امارت اسلامی در افغانستان و قطع روابط کشورهای جهان با افغانستان، جامعه جهانی برای رسیدگی به اوضاع بشری و اقتصادی افغانستان و همچنین برقراری تعامل و روابط با امارت اسلامی مکانیزم‌های را روی دست گرفته است. یکی از آن مکانیزم‌ها برگزاری کنفرانس‌هایی موسوم به نشست دوحه در شهر دوحه پایتخت کشور قطر است که ترکیب آنرا نمایندگان کشورها برای افغانستان به گرداندگی سازمان ملل متحد تشکیل می‌دهد. دور اول نشست دوحه در روزهای اول و دوم ماه می سال ۲۰۲۳ میلادی با اشتراک ۲۱ نماینده به شمول نماینده امریکا، روسیه، چین، ایران، پاکستان، تاجکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرغزستان، ترکمنستان، ترکیه، جاپان، هند، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ناروی، عربستان سعودی، قطر، اندونزی، امارات متحده عربی و نمایندگانی از اتحادیه اروپایی و سازمان همکاری اسلامی برگزار شد. دور دوم نشست دوحه با ترکیب بالا در ماه فبروری سال ۲۰۲۴ میلادی برگزار شد و دور سوم آن در روزهای ۳۰ جون و اول جولای سال جاری میلادی (۲۰۲۴) دایر گردید. نشست سوم دوحه از چند جهت از جمله اهداف، اولویت‌ها و براینده آن برای افغانستان مهم و قابل ارزیابی می‌باشد که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود.

اهداف سومین نشست دوحه

سلسله نشست‌های دوحه به هدایت قطعنامه‌های ۲۶۷۹ و ۲۷۲۱ شورای امنیت در روشنایی گزارش نماینده سرمنشی ملل متحد آقای فریدون سینیورلی اوغلو تحت عنوان «گزارش ارزیابی مستقل افغانستان» برگزار می‌شود. به صورت کلی مهم‌ترین اهدافی که نشست‌های دوحه دنبال می‌کند تعقیب دستوراتی است که قطعنامه‌های شورای امنیت به دبیرکل سازمان ملل داد که شامل موضوعات ذیل می‌باشد: «رسیدگی بهتر به اوضاع افغانستان، ایجاد نحوه تعامل سازنده با حکومت طالبان برای هدایت آن به مسیر بازگشت به جامعه بین‌المللی اقداماتی را از جمله افزایش مشارکت بین‌المللی به شیوه‌ای منسجم‌تر، هماهنگ و سازمان یافته انجام دهد طوری که در نتیجه آن مشارکت معنادار، کامل و امن زنان به وجود آمده و افغانستان در صلح با خود و همسایه‌گانش، به طور کامل در جامعه بین‌المللی ادغام شده و تعهدات بین‌المللی را رعایت کند. برای نیل به این موارد از دبیرکل سازمان ملل خواسته شد تا با مشورت اعضای شورای امنیت، بازیگران و ذینفعان سیاسی مرتبط با افغانستان از جمله مقامات موجود، زنان، جامعه مدنی و کشورهای منطقه و جهان، یک فرستاده ویژه را تعیین کند که با افغانستان آشنایی کامل داشته و در زمینه حقوق بشر تخصص داشته باشد. البته تأکید شده که نماینده ویژه بدون لطمه وارد کردن به مأموریت یوناما کارش را پیش ببرد.» و لائحہ کاری آن شامل دو موضوع اساسی ذیل می‌باشد:

1. رسیدگی به اوضاع بشری و اقتصادی در افغانستان.
2. ایجاد مکانیزم‌هایی مؤثر به منظور تعامل با امارت اسلامی و ادغام مجدد افغانستان به جامعه بین‌المللی.

بر اساس این دستور کار در نشست اول مهم‌ترین موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفت شامل حق آموزش و کار زنان و دختران و چگونگی ایجاد راه‌های تعامل با امارت اسلامی بود. در نشست دوم نیز موضوعاتی چون افزایش مشارکت بین‌المللی به‌گونه منسجم و ساختاریافته؛ تعیین نماینده ویژه سازمان ملل برای افغانستان، شناسایی ویژگی‌های بنیادی برای تعامل سازنده و اصولی که بازتاب دهنده‌ی نگرانی‌های جهانی در پیوند به سیاست‌های امارت اسلامی باشد، مورد بحث قرار گرفت. نشست سوم دوحه نیز مطابق به اهداف از پیش تعیین شده باید بالای موضوعاتی چون تعیین نماینده ویژه سازمان ملل برای افغانستان، تشکیل حکومت همه‌شمول، موضوعات حقوق بشری به‌خصوص حق تحصیل و کار زنان بحث صورت می‌گرفت اما به دلیل اختلاف نظرهای بالای این موضوعات و مهم‌تر از همه دیدگاه امارت اسلامی؛ سرانجام پس از مشورت‌ها و رایزنی‌های فراوان دستور کار اصلی نشست موضوعاتی چون بررسی تحریم‌های اقتصادی و بانکی، محدودیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، آزادسازی ذخایر ارزی افغانستان و چگونگی مبارزه با مواد مخدر قرار گرفت.

تفاوت نشست سوم دوحه با نشست‌های قبلی

سه نشست دوحه با وجود اهداف مشترکی که در آنها دنبال شد، تفاوت‌های چشم‌گیری با یکدیگر داشتند. تفاوت اول به لحاظ ترکیب بود. با اینکه به لحاظ ترکیب بین‌المللی میان هر سه نشست تفاوتی دیده نشد اما به لحاظ داخلی بزرگ‌ترین تفاوتی که سه نشست با یکدیگر داشتند حضور نمایندگان افغانستان در نشست‌ها بود. در نشست اول هیچ نماینده‌ای از جانب افغانستان دعوت نشده و نشست صرفاً میان نمایندگان کشورها و سازمان ملل برگزار شد. پس از آن نشست دبیر کل سازمان ملل در پاسخ به پرسشی که چرا از امارت اسلامی دعوت به‌عمل نیامده بود گفته بود که هنوز زود است که طالبان در چنین کنفرانسی دعوت شود. در نشست دوم علاوه بر دعوت از امارت اسلامی از دو تن زن (شاگل رضایی و محبوبه سراج) و یک مرد (لطف‌الله نجفی‌زاده) به نمایندگی از جامعه مدنی و زنان دعوت صورت گرفته بود. پیش‌آمد عجیب و غیرمنتظره این بود که در نشست دوم امارت اسلامی به دلیل پذیرفته نشدن شروط آن از جمله دعوت از امارت اسلامی به‌عنوان تنها نماینده افغانستان و دیدار دبیر کل سازمان ملل با هیئت امارت اسلامی از اشتراک در نشست خودداری کرد. تفاوت دوم موضوعات مورد بحث بود. در دو نشست اول و دوم دستور کار یا آجندای نشست‌ها براساس دستوری که قطعنامه‌های شورای امنیت داده بود ترتیب شده بود اما در نشست سوم دستور که می‌باید براساس اهداف از پیش تعیین شده موضوعاتی را چون کار بالای تعیین نماینده ویژه منشی عمومی ملل متحد، تشکیل گروه تماس بین‌المللی و تفاهم در باره چگونگی تعامل با امارت اسلامی

دنبال می‌کرد اما به دلیل تضاد منافع بازیگران مختلف در مسائل افغانستان و به خصوص دیدگاه امارت اسلامی سرانجام پس از مشورت‌ها و رایزنی‌های فراوان دستور کار نشست موضوعاتی چون تحریم‌های اقتصادی و بانکی، محدودیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، آزادسازی ذخایر ارزی افغانستان و چگونگی مبارزه با مواد مخدر قرار گرفت. تفاوت سوم دیدگاه‌های طرف‌های اشتراک‌کننده بود. در نشست اول تقریباً تمام طرف‌های شرکت‌کننده مواضع یکسانی داشته و همه بالای موضوعات مورد بحث توافق نظر داشتند. در نشست دوم تعدادی از کشورها (روسیه، چین و ایران) مخالف اصلی‌ترین موضوع آن یعنی تعیین نماینده خاص سازمان ملل برای افغانستان بودند. در نشست سوم به شمول امارت اسلامی همه طرف‌ها دیدگاه تقریباً یکسانی بالای موضوعات نشست داشتند. این توافق را می‌توان از ابراز خوشنودی و تشکری سخنگوی امارت اسلامی که به عنوان رئیس هیئت امارت اسلامی در نشست اشتراک کرده بود استنباط کرد چنانچه وی در شبکه اجتماعی ایکس‌نست را خوب توصیف کرده و از مواضع نمایندگان روسیه، چین، ایران، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، قرغزستان، ترکمنستان، امریکا و سازمان کانفرانس اسلامی قدردانی کرد. اما مهم‌ترین تفاوتی که نشست سوم دوحه داشت و آنرا نسبت به دو نشست قبلی کاملاً متفاوت ساخته است به کرسی نشستن شروط امارت اسلامی چه در بخش ترکیب و چه در بخش دستور کار. به عبارت دیگر نشست سوم دوحه را می‌توان کاملاً مطابق به فرمایش امارت اسلامی ارزیابی کرد. شرط اول امارت اسلامی دعوت شدن از آن به عنوان تنها نماینده افغانستان و شرط دوم تعیین موضوعاتی بود که می‌باید در جریان جلسات بالای آنها بحث صورت گیرد. چنانچه دیده شد هر دو شرط امارت اسلامی از سوی سازمان ملل و جامعه جهانی پذیرفته شد.

موضوعات مورد بحث در نشست سوم دوحه

به لحاظ موضوعی نشست سوم دوحه به دو بخش تقسیم شده بود. در یک بخش به موضوعی پرداخته شد که ارتباط مستقیم به شناسایی امارت اسلامی به عنوان عضوی از جامعه جهانی داشت و در بخش دیگر به موضوعاتی پرداخته شد که ارتباط مستقیم به وضعیت اقتصادی افغانستان داشت. در بخش اول که می‌توان آنرا خواست عمومی جامعه جهانی از امارت اسلامی دانست از امارت اسلامی خواسته شد که برای پذیرش به عنوان عضو سازمان ملل به کنوانسیون‌های جهانی که افغانستان قبلاً عضویت آنها را داشت عمل کند. البته که چنین خواست عمومی می‌تواند تمام جنبه‌هایی را شامل مراعات کردن حقوق بشر و اعطای حق تحصیل و کار زنان را در بر گیرد. در واکنش به این درخواست نماینده امارت اسلامی دو شرط را مطرح کرد. شرط اول اینکه امارت اسلامی زمانی به کنوانسیون‌ها عمل خواهد کرد که امارت اسلامی زیر چتر سازمان ملل قرار گیرد و شرط دوم عدم تضاد کنوانسیون‌ها با شریعت اسلامی خوانده شد. در بخش دوم به موضوعاتی چون مبارزه با مواد مخدر، رفع تحریم‌های بانکی و مسئله آزادسازی ذخایر ارزی افغانستان و چگونگی تقویت سکتور خصوصی افغانستان بود. در این بخش نماینده امارت اسلامی تمام طرف‌ها را متوجه

کرد که اگر جامعه جهانی خواهان وجود یک افغانستان با ثبات و فارغ از مشکلات می باشد می باید توجه و کمک های خود را در بخش اقتصادی افغانستان متمرکز کنند .

دستاوردهای نشست سوم دوحه

نشست سوم دوحه از سه جهت مثبت ارزیابی می شود. جنبه اول حضور معنادار و تعریف شده نماینده امارت اسلامی در این نشست بود. واقعیت غیر قابل انکار این است که امارت اسلامی به عنوان تنها طرف مسئول افغانستان که در حال حاضر صلاحیت یک حکومت کامل را در افغانستان دارد باید توسط جامعه جهانی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شود. هیچ نشست و جلسه ای نمی تواند کوچک ترین موفقیتی داشته باشد مگر اینکه امارت اسلامی در آن حضور معنادار داشته باشد. حضور معنادار به این معناست که امارت اسلامی به عنوان تنها نماینده افغانستان با استفاده از حق حاکمیتی خود در مجامع و محافل جهانی دعوت شود. از این جهت نشست سوم دوحه در ذات خود به این دلیل که نماینده امارت اسلامی در آن حضور معنادار داشت مثبت و گام مؤثری در حل مشکلات افغانستان ارزیابی می شود. جنبه دومی که نشست سوم دوحه را مثبت و امیدوارکننده می سازد. موضوعاتی است که در دستور کار جلسات به عنوان آجندای اصلی به آنها پرداخته شد. در نشست های دیگری در تقریباً سه سال گذشته در قبال افغانستان به خصوص دو نشست قبلی دوحه که برگزار شد بزرگ ترین مشکل پرداختن به آجندای فرمایشی و نامنطبق به اولویت ها و نیازمندی های افغانستان بود. در حقیقت بن بست اصلی که ضریب نشست های دیگر را به شدت پایین می آورد نگاه متضاد به اولویت ها و نیازمندی های فوری و اصلی افغانستان بود که این نقیصه ای کلان در نشست سوم دوحه تقریباً برطرف شده و آجندای نشست براساس آنچه تعیین شد که نیازمندی های فوری افغانستان می باشند. جنبه سومی که برآیند نشست دوحه را خوش بینانه نشان می دهد چرخش دیدگاه جهانی از تحمیل فشار به تعامل گرایی با امارت اسلامی است. نشست سوم دوحه نشان داد که جامعه جهانی به این نتیجه رسیده است که سیاست تحمیل در برابر امارت اسلامی یک سیاست بی نتیجه و ناکام است زیرا دیده شد که با گذشت تقریباً سه سال چنین سیاستی نتوانست کوچک ترین موفقیتی در راستای تغییر رفتار امارت اسلامی داشته باشد. بنابراین وقت آن رسیده که چنین سیاست کنار گذاشته شده و به جای آن باید سیاست تعامل روی دست گرفته شود.

دستاورد نشست دوحه برای امارت اسلامی

نشست سوم دوحه از چند جهت برای امارت اسلام پر دستاورد بود. جهت اول این بود که جامعه جهانی در رأس آن سازمان ملل برای اولین بار به طور عام و تام به شروط امارت اسلامی تمکین کرد. هرچند قبل از برگزاری نشست مسؤلین ملل متحد تأکید داشتند اشتراک امارت اسلامی در نشست دوحه به معنای شناسایی آن از سوی ملل متحد و جامعه جهانی نیست اما عملاً زمانی که سازمان ملل شروط امارت اسلامی

را پذیرفت نشان دهنده این است که ملل متحد پذیرفته است که تنها نماینده و طرف مسؤول در افغانستان امارت اسلامی می باشد. جهت دوم این است که امارت اسلامی توانست علی رغم اعتراض برخی از کشورها و مخالفین خویش موضوعات دل خواه خود را در دستور کار جلسات نشست قرار دهد که بیشتر اولویت های اساسی و ضروری مردم افغانستان را بازتاب می دهد. جهت سوم این است که امارت اسلامی توانست با استفاده از یک تریبون بین الملل دستاورهای سه ساله خود در زمینه تأمین امنیت، مبارزه با مواد مخدر، پیشرفت های اقتصادی و موفقیت در زمینه تعامل مثبت با جهان را که از طریق برقراری روابط سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه بازتاب یافته به نمایش بگذارد. جهت چهارم این است که امارت اسلامی توانست با استفاده از یک دیپلوماسی قوی جامعه جهانی را مجاب کند که سیاست های خود را در قبال افغانستان به گونه ای جهت دهند که خواست امارت اسلامی می باشد. جهت مثبت دیگر نشست دوحه برای امارت اسلامی این است که برخلاف نشست های دیگر این بار امارت اسلامی نتیجه نشست و ادامه چنین نشست هایی را به اقدامات جامعه جهانی در راستای لغو تحریم ها، رفع محدودیت های بانکی و آزادسازی پول های منجمد شده افغانستان موکول کرد. جهت پنجم این بود که نشست دوحه یک زمینه بسیار عالی را فراهم کرد تا نماینده امارت اسلامی به صورت دو جانبه با اکثر نماینده های اشتراک کننده در این نشست دیدار و ملاقات داشته باشد. در حقیقت اگر نشست دوحه هیچ دستاورد دیگری نداشته باشد همینکه نماینده امارت توانست در یک فرصت کوتاه با نماینده بیش از بیست کشور جهان دیدار داشته باشد خود یک دستاورد بسیار کلان و با ارزش تلقی می شود. در کنار اینها یک دستاورد مهم دیگر این بود که نشست سوم دوحه بالای موضوعاتی چرخید که تقریباً در سطح منطقه یک هماهنگی قوی بالای آنها وجود دارد. به عبارت دیگر این نشست نشان داد که محور شرقی در مقابل محور غربی غلبه کرده و برخلاف اینکه گفته می شد نشست دوحه سازوکاری است که از طریق آن، کشورهای غربی اهداف خود را تعقیب می کنند، در این نشست بیشتر از همه موضوعاتی بر وفق مراد کشورهای شرقی مورد بحث قرار گرفت .

نتیجه گیری

هرچند زود است که قضاوت شود نشست سوم دوحه چه نتیجه ملموسی در پی دارد اما این نشست با تفاوت های بسیار زیادی که با سلسله نشست قبلی داشت برای افغانستان حائز اهمیت دانسته می شود. به صورت کلی نشست سوم دوحه در ذات خود پیشرفت بسیار کلانی را در عرصه تعامل مثبت امارت اسلامی با جهان نشان داد. در این نشست نفس اشتراک نماینده امارت اسلامی دستاورد بسیار مهم ارزیابی می شود علاوه بر این پذیرفته شدن نماینده امارت اسلامی به عنوان تنها طرف ذی صلاح افغانستان نشان داد جامعه جهانی به حق حاکمیتی امارت اسلامی به عنوان یک حکومت در افغانستان تمکین کرده است. موضوع دیگر این بود که برخلاف دیگر نشست ها به موضوعاتی پرداخته شد که علایق و توقعات چندجانبه به خصوص خواسته های امارت اسلامی را بازتاب می دهد. موضوع دیگر که نشان از پیشرفت تعامل مثبت جامعه جهانی



با امارت اسلامی دارد این است که جامعه جهانی به این نتیجه رسیده که سیاست تحمیل در مقابل امارت اسلامی ناکام بوده و به جای آن از سیاست معقول و منطقی و نتیجه‌بخش تعامل مثبت استفاده شود. با اینکه نماینده تعدادی از کشورها نگاه منفی و اعتراضی به نشست سوم دوحه داشته اما نشست سوم دوحه نشان داد که جامعه جهانی به صورت ضمنی قبول کرده که بحث تشکیل حکومت همه شمول و موضوعاتی چون حق تعلیم و کار زنان از موضوعات داخلی افغانستان بوده و نباید از آنها به عنوان ابزار فشار استفاده صورت گیرد. به احتمال اینکه امارت اسلامی به گونه تدریجی و مطابق عرف و عادات داخلی افغانستان در جستجوی راه‌حل‌های مناسب است. نتیجه بسیار حائز اهمیت این است که این بار امارت اسلامی بار را بر دوش جامعه جهانی گذاشت که باید با اقدامات مؤثر در زمینه لغو تحریم‌ها و رفع محدودیت‌ها زمینه دل‌گرم‌کننده را برای برگزاری نشست‌های بعدی فراهم کند. به عبارت دیگر امارت اسلامی به جامعه جهانی تلقین کرد که تا زمانی که اقدامات مؤثر در جهت تحریم‌ها و محدودیت برداشته نشود، برگزاری هرگونه نشستی خالی از فایده تلقی خواهد شد.

پیشنهادات

در روشنایی یافته‌های این بررسی پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

۱. در نخست می‌باید امارت اسلامی همواره برای ارائه مواضع روشن و شفاف خود از هر نوع مکانیزمی استفاده‌ای مطلوب کند؛
۲. امارت اسلامی با استفاده از نگاه همسوی نمایندگان کشورها که در نشست سوم دوحه بازتاب داده شد، تعامل مثبت خویش با جامعه جهانی را تقویت کند؛
۳. امارت اسلامی در راستای عمل کردن به کنوانسیون‌های جهانی یک کمیسیون داخلی برای بررسی آنها ایجاد کرده و اینکه کدام یک را با چه شرایط قبول یا رد می‌کند موضع واضح اتخاذ کند؛
۴. امارت اسلامی در زمینه‌هایی چون تعلیم و کار زنان و سایر موضوعات حقوق بشری در چوکات شریعت اسلامی طوری اقدام نماید که هیچ بهانه‌ای برای خارجی‌ها باقی نماند.

منابع و مآخذ

۱. میراحمد مشعل. «نگاه تحلیلی بر نشست دوحه برای افغانستان»، موسسه مطالعات راهبردی شرق، تاریخ نشر ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ قابل دسترسی: www.iess.ir/fa/analysis/3690/
۲. نذیر شینواری. «نگاهی به نشست‌های اول و دوم دوحه برای افغانستان»، سایت طلوع نیوز، تاریخ نشر ۱۴۰۳/۴/۴ قابل دسترسی: <https://tolonews.com/fa/afghanistan-189530>
۳. نگاهی تحلیلی به نشست دوحه ۳ در باره افغانستان. سایت بررسی تحولات افغانستان. تاریخ نشر ۱۴۰۳/۴/۱۲ قابل دسترسی: <https://afghreviw.com>

⁴ نشست دوحه با درخواست نمایندگان حکومت طالبان برای رفع تحریم‌ها پایان یافت. سایت بی‌بی‌سی فارسی تاریخ نشر ۱۴۰۳/۴/۱۱ قابل دسترسی: <http://www.bbc.com>


مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنمندی پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com info@csrskabul.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com



 : +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrskabul.com



info@csrskabul.com